



۹

## اسرار تاریخی کمیته مجازات

اعترافات شفائی

خدا می‌داند که من همیشه از کمیته مجازات خوف و هراس داشتم زیرا بارها من می‌گفتمند هر کس اسرار ما را را فاش سازد به سر نوشت کریم دواتگرد چار خواهد شد و بهمین جهت کمتر کسی جرأت طرفیت و مقابله با کمیته مذکور را داشت .»

«... یکی از کسانی که با کمیته مربوط بود من او را می‌شناختم میرزا علی زنجانی بود که سابقاً کارش بزازی بود « میرزا علی زنجانی یکی از تروریست‌های کمیته مجازات بود . نویسنده» و دیگری احسان‌اله خان و حسین خان‌الله بودند و روزیکه صحبت از کمیته مجازات بمیان آمد احسان‌اله خان ارتباط خود را با کمیته اعلام و گفت عامل اصلی قتل میرزا محسن مجاهد برادر صدر العلماء ما بودیم . آن روز احسان‌اله خان به عمادالکتاب گفت: از این بی‌عدد دیگر به وزارت داخله نمی‌آئیم و هر مطلب یا پیغامی داشتیم وسیله میرزا عبدالحسن شفائی مبادله خواهیم کرد و من بدبخت فلک‌زده چه می‌توانستم بکنم ؟ و ناچار تسلیم شدم و هر وقت احسان‌اله خان بی پول می‌شد و با پیغامی داشت من وسیله میرزا علی اکبر ارداقی یا عمادالکتاب تقاضای او را انجام می‌دادم و جواب را به او می‌رسانیدم .

موقعی که یکی از تروریست‌ها بنام حاج علی عسکر در زندان بود من سه بار برای او خرجی بردم. یکی از شب‌های ماه رمضان حسین خان‌الله بمنزل من آمده اظهار ناراحتی و نگرانی

نموده گفت يك قبضه هفت تیر نزد مهدیخان خواهرزاده ام گذارده بودم داد بیکی از مفتشین  
نظمیه گفته بود که با این هفت تیر میرزا حسن مجتهد را کشته اند و از این طریق خواسته  
بود یکنوع خود نمائی کرده باشد .

آن شب بر حسب پیشنهاد حسین خان لله ، بخیا بان رفته وارد دکان سلمانی مهدی  
خان شدیم و او مدتی در پستوی مغازه با خواهرزاده خود مهدی خان بحث و محاذله میکرد  
و از او بازخواست می نمود که چرا به مفتش نظمیه چنین مطلبی را گفته ای و چه ارتباطی  
با تو دارد که من چه کرده ام و مهدیخان مرتباً تکذیب می کرد .

« ... پس از این واقعه ، حسین خان لله مدتی در خانه آقای بهمن شیدائی مخفی  
بود و چندی بعد از آنجا به قریه ایکه به پدر خانم شیدائی تعلق داشت منتقل گردید .

« پس از قتل میرزا محسن ، روزی از حسین خان لله پرسیدم که شما طبق دستور  
کمیته مجازات میرزا محسن را کشتید ؟ وی در پاسخ گفت ما میرزا محسن را رأساً به قتل  
رسانیدیم و جریان را وسیله میرزا علی اکبر ارداقی و عمادالکتاب به اطلاع کمیته رسانیدیم  
و آنها در مورد قتل او اعلامیه ای منتشر ساخته و مسئولیت قتل او را به خود نسبت دادند .

« ... روزی که خبر دستگیری اعضای کمیته مجازات و سایر متهمین را شنیدم در  
صدد تحقیق بر آمدم که آیا بر گه و آلت جرمی از آنها بدست آمده است و آیا آقایان اقرار  
و اعترافی کرده اند یا خیر ؟ و من برای اینکه رفع سوءظن نظمیه را از توقیف شدگان که  
غالباً از دوستان من بودند بنمایم باین فکر افتادم که شرحی نوشته منتشر سازم و موجبات  
استخلاص دوستان خود را فراهم آورم و بهمین سبب از مسیو هلخ استفسار کردم که مهر کمیته  
مجازات را او ساخته است و آیا در مورد اعضای کمیته اطلاعاتی دارد ؟

قسمتی از اعترافات کمال الوزاره که متهم به همکاری با کمیته مجازات بود و گاه  
و بیگاه بکمیته مساعدت های مالی می کسرد و سالها در وزارت مالیه مصدر کارهای  
حساس بود .

« ... من چنانچه قبل از استنطاق هم عرض کردم ، میرزا اسمعیل خان رئیس انبار  
غله همیشه بمن مظنون بود و گمان می کرده که من نسبت بکار او کارشکنی می کنم درحالی که  
وجدانم رضایت نمی داد که در کار اداره اخلال کرده و یا برای اعدام کسی کمک مالی کرده  
باشم و یا موجبات مرگ هم وطنم را فراهم نموده باشم .

« ... من در مورد اشخاصی مثل یمین الملک وزیر پیشین مالیه که بیشتر از اسمعیل  
خان بمن زده است و نان مرا قطع نموده هیچگاه تصمیم بدی اتخاذ نکرده ام و اگر من  
دارای اخلاقی دور از وجدان و انصاف بودم لاقول در حق کسانی که هشت ماه حقوقم را قطع  
کرده اند اقدام می کردم »

« ... میرزا اسمعیل خان در کار اداری با همکاری خود طوری رفتار می کرد که  
همه از رفتار و حرکات و برخورد تند و زننده اش منزجر و عاصی بودند و خوب بخاطر دارم  
که روزی که او را ترور کردند در اطاق ترجمان الدوله بودم ، وکیل الملک برادر حشمت الدوله

به محض اطلاع از واقعه قتل میرزا اسمعیل خان به سجده افتاد و من او را تسوییح و سرزنش کردم و گفتم هر چه بود گذشت و حالا دیگر جایز نیست که بر مرگ کسی شادی کنی. مهذا هیچگاه نمی گویم که وکیل الملک در قتل میرزا اسمعیل خان دخالت و مشارکت داشت...  
کمال الوزاره در اعترافات خود می گوید :

اعمال وحشیانه کمیته مجازات که من اعضای آن را نمی شناسم بقدری مرا متوحش کرده بود که از بدودستگیری جرأت نداشتم اطلاعات خود را در دسترس مستنطق قرار دهم و حقایق را بگویم. حال که مطمئن شده ام همه اعضای کمیته مجازات دستگیر شده اند و برای من خطری وجود ندارد مطالب خود را بدین شرح تقریر می نمایم :

« چندروز قبل از کشته شدن منتخب الدوله ، چند بار غلامحسین خان پیشخدمت محترم السلطنه که طرف اعتماد ایشان بود از روی خیر خواهی بمن توصیه کرد برای اینکه از خطر کمیته مصون و محفوظ باشم بهتر و مصلحت این است که با منشی زاده طرح دوستی ریخته و مرادده بیشتر داشته باشم و در لافاه بمن می فهمانید که منشی زاده کم و بیش با کمیته مجازات ارتباط دارد. »

« ... در بادی امر بتوصیه های غلامحسین خان وقتی نگذارم ولی چون بعداً اصرار زیادی از ناحیه او شد چنین دریافتیم که چون وی از سایر نوکرهای محترم السلطنه بوی محرم تر و نزدیکتر است حتماً مصلحتی در کار است که باید با منشی زاده رابطه برقرار کنم و مرادده بیشتر داشته باشم ، برای این منظور ، باب دوستی را با وی باز کردم و محبت او را بخود جلب نمودم . »

« ... مقارن ایامی که منتخب الدوله را کشته بودند ، روزی بخانه منشی زاده رفتم و چون مرا بیش از حد معمول متوحش دید گفتم من همیشه مراقب شما هستم و با اینکه عضو کمیته مجازات نیستم ولی با یکی از دوستان واقعی و صمیمی من که عضو کمیته می باشد ارتباط دارم و در حقیقت مخبر او هستم ، منشی زاده سپس به شرف و وجدان مرا سوگند داد که این مطالب و اسرار را نزد کسی فاش نسازم و اضافه کرد که من هم وسیله همان شخص که در کمیته عضویت دارد اقدام لازم را خواهم کرد که خطری متوجه شما نشود و مکرر بمن تذکر می داد که اگر این مطالب را بکسی باز گو کنم جانم در خطر حتمی خواهد بود و گاه مرا ملامت و سرزنش می کرد که چرا در حین عبور از خیابان با خود ژاندارم می برم... »

« ... خوب بخاطر دارم که او روز قبل از قتل منتخب الدوله ، روزی منشی زاده بخانه من آمد و چون احساس کرد که از فرط ترس و وحشت چند روز است که از خانه بیرون نرفته ام و با کسی مرادده نداشته ام بمن گفتم : خوبست شرحی بکمیته مجازات نوشته و مبلغی وجه ضمیمه آن کنی تا موجبات تأمین تورا فراهم سازم . من هم موجودی خود را که یک صد تومان بود در اختیار منشی زاده گذاردم و شرحی نیز بکمیته نوشته باو دادم و او طوری تظاهر می کرد و اضطراب نشان می داد که جواب کمیته مجازات درباره توجه خواهد بود؟ »  
« ... منشی زاده بمن اطمینان داد که نامه پول را وسیله را بطی که شماره آن ۲۷ است بکمیته خواهد رسانید و جواب آن را بمن خواهد داد ولی از من قول گرفت که در

اینمورد با کسی صحبتی نکنم .

چند روز بعد جواب کمیته مجازات را بمن ارائه نمود و یکصد تومان پولی را که برای کمیته فرستاده بود بمن مسترد داشت . در این نامه جوابیه نوشته شده بود که با وساطت کمیته مجازات از تصصیرات کمال الوزاره گذشتیم و عین یکصد تومان را بازگردانیدیم ...»

« ... پس از چندی ، روزی منشی زاده بمن توصیه کرد که چند قبضه موزرو اسلحه کمری به کمیته مجازات اهداء کنم و من برای اینکه بدست خود مستقیماً وسایل آدمکشی را فراهم نکرده باشم پس از مطالعه و از روی اضطرار ، پول اسلحه را به منشی زاده دادم و او باتفاق شجاع لشکر بیازار رفتند و چند قبضه اسلحه کمری خریداری نمودند ...»

« ... چندی بعد که منشی زاده از وزارت مالیه بسمت معاون من انتخاب و منصوب گردید بمن پیشنهاد کرد که باید بهم نوع خود خدمتی انجام دهم . پیشنهاد او این بود که چون من با قوام السلطنه سابقه دوستی و آشنائی دارم و از طرفی وسیله دوست و رابطه خود با کمیته مجازات شنیده‌ام قصد جان او را دارند ، اگر قوام السلطنه پنجهزار تومان بکمیته مجازات اهداء کند می‌توانیم او را از خطر حتمی الوقوع نجات دهیم .

برای من انجام این رسالت و مأموریت مشکل و دشوار می‌نمود و پیش خود خیال کردم اگر این خبر را به قوام السلطنه برسانم و باو چنین مطلبی را توصیه کنم ، او بی‌شک تسور خواهد کرد که من این پول گزاف را برای خود می‌خواهیم . ولی منشی زاده از من قول گرفت که نام او را به قوام السلطنه فاش نکنم و رسماً مرا تهدید کرد که اگر نام او را فاش کنم حتماً کشته خواهم شد .»

« من هم بخاطر دوستی با قوام السلطنه و برای اینکه او را از خطر احتمالی دور کرده باشم روزی بحکم اجبار بیخانه قوام السلطنه رفته باو حالی کردم که در چه موقعیتی قرار دارد و از او قبلاً قول گرفته‌ام که نام گوینده این خبر را از من نپرسد و باشان فهمانیدم که این پیغام از ناحیه خود من نیست ...»

« قوام السلطنه ضمن اظهار تشکر گفت : من بشما اعتماد کامل دارم و این مسئله را با احدی از کجا نخواهم کرد ولی شما هم به پیغام دهنده بگوئید : اولاً من پنجهزار تومان وجه نقد از کجا بیاورم ؟ و در حال حاضر قدرت پرداخت چنین وجهی را ندارم و مبالغی هم مقروضه ثانیاً این وجه را برای چه بدهم ؟ ثالثاً من که خیانتی نکرده‌ام که مستوجب مجازات و پرداخت وجه باشم .»

« من عین پیغام قوام السلطنه را به منشی زاده رسانیدم و او بازم پافشاری کرد که من مجدداً قوام السلطنه را ملاقات کنم و باو بگویم که کمیته مجازات در حق شما ارفاق کرد و مبلغ مورد مطالبه را به سه هزار تومان تقلیل داد .

« ... من پیغام منشی زاده را به قوام السلطنه دادم و او هم همان جواب‌های اولیه را بمن داد و گفت ، بحث به سر میزان وجه نیست ، جواب همان است که داده‌ام .

(ادامه دارد)